

1-Review

## Context

یادت بود سر راهت از سوپر مارکت چیزی بخری؟

Did you remember to buy something **at** the super market on the way?

خاک بر سرم.

I could kick myself.

فکر کردم همه چی خریدی.

I thought that you had bought everything.

از اونجاییکه مهمونی کنسل نشده.

Since the party hasn't been canceled.

گمان می کنم یکی از ما بهتره بره و خرید کنه.

**I suppose** one of us should go and do shopping.

الساعة انجامش می دم.

I am doing it right now.

متوجه نشدم خرید کردی.

I didn't realize you had done shopping.

یادت بود پنجره رو بالا بدی؟

Did you remember to wind up the window?

یادم می آد پنجره رو بالا دادم.

I remember winding up the window.

یادت بود کانالها رو تنظیم کنی؟

Did you remember to adjust the channels?

پاک یادم رفت.

I clean forgot it.

من فکر کردم تو کانالها رو تنظیم کردی.

I thought you had adjusted the channels.

یادم می آد پول رو رو میز گذاشتم.

I remember putting the money on the table.

من همه چیز رو راست و ریز کردم، امر دیگه ای با من نداری؟

I have lined up everything, anything else with me?

یادت بود کامیون رو بارگیری کنی؟

Did you remember to load the truck?

اینجا بوی بدی می آد. یادت بود آشغالها رو بذاری بیرون؟

It smells nasty here. Did you remember to put the garbage out?

نمی دونم چرا اینطوری باهم صحبت می کنی؟

I don't know why you are talking to me like this?

من فکر کردم می خوای آشغالها رو بیرون بذاری.

I thought you were gonna put the garbage out.

از اونجاییکه بمن زنگ زده نشده، بهتره یکی از ما بره و به پلیس زنگ بزنه.

Since I haven't been called, I suppose one of us should go and call the police.

یادم می آد به پلیس زنگ زدم.

I remember calling the police.

یادت بود سی دی ام رو بیاری؟

Did you remember to bring my CD?

می بایست بهم یادآوری می کردی.

You should have reminded me.

احتمالاً خونه جاش گذاشتم.

I must have left it at home.

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی نداری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions. Let's start.

### Vocabulary

تنظیم کردن

Adjust

خرید کردن

Do shopping

پاک یادم رفت.

I clean forgot it.

## 2-Do you by any chance know when the American president is gonna arrive

### Context

می دونی برادرت برات چی خریده؟

Do you know what your brother has bought for you?

می دونی پسرت برای چی می خواد استعفا بده؟

Do you know why your son is gonna resign?

می دونی پدرت کجا خونه خریده؟

Do you know where your father has bought a house?

می دونی مادرت کی رو میخواد دعوت کنه؟

Do you know who your mother is gonna invite?

می دونی چطور همکارم دو روز مرخصی گرفته؟

Do you know how my colleague has **taken** 2 days off?

می دونی رییس جمهور آمریکا کی می خواد تشریف بیاره؟

**Do you by any chance know** when the **American president** is gonna arrive?

می دونی چه مدل ماشین پدرت می خواد بخره؟

Do you by any chance know what kind of car your father is gonna buy?

می دونی رییسم چقدر می خواد حقوقم رو زیاد کنه؟

Do you by any chance know how much my boss is gonna increase my salary?

می دونی کی خواهرم می خواد مهمونی بگیره؟

Do you by any chance know when my sister is gonna take a party?

می دونی چرا کلاس کنسل شده؟

Do you by any chance know why the class has been canceled?

می دونی مجلس می خواد این لایحه رو تصویب کنه یا نه؟

Do you by any chance know whether the parliament is gonna approve of this bill or not?

می دونی بازی چند چنده؟

Do you by any chance know what the game score is?

چرا زود اومدی؟

Why have you come here early?

می دونی بانک کی باز می کنه؟

Do you by any chance know when the bank opens?

می دونی بانک کی می بنده؟

Do you by any chance know when the bank closes?

مجبورم برگردم خونه

I gotta come back home.

می دونی کلاس کی تموم می شه؟

Do you by any chance know when the class finishes?

می دونی پرواز چند ساعت تأخیر داره؟

Do you any chance know how many hours the flight has a delay?

می دونی رییس جمهور آمریکا کی می خواد تشریف بیاره؟

Do you by any chance know when the American president is gonna arrive?

---

بله، تا اونجاییکه می دونم ساعت 2:30

Yes, as far as I know he is gonna arrive at 2:30

تا اونجاییکه می دونم خواهرم می خواد مهمونی رو بتعویق بندازه.

As far as I know my sister is gonna postpone the party.

تا اونجاییکه می دونم بازی 2 صفر هست.

As far as I know the game is 2-nil.

تا اونجاییکه می دونم بازی صفر صفره.

As far as I know the game is nil-nil.

تا اونجاییکه می دونم بازی مساویه.

As far as I know the score is **drawing**.

تا اونجاییکه می دونم بانک ساعت 2 می بنده.

As far as I know the bank closes at 2.

### Vocabulary

لایحه

Bill

تصویب کردن

Approve

تأخیر

Delay

تأخیر داشتن

Have a delay

تا اونجاییکه می دونم بازی صفر صفره.

As far as I know the game is nil-nil.

تا اونجاییکه می دونم بازی مساویه.

As far as I know the score is drawing.

### Conversation text

A: Do you by any chance know when the American president is gonna arrive?

B: Yes, as far as I know he is gonna arrive at 2:30

A: Somehow I thought the American's president was gonna arrive earlier.

B: I don't think so.

A: Are you sure?

B: Yes, I am positive. He arrives at 2:30.

### 3-Somehow I thought the bank closed at 2

#### Context

یجورایی فکر کردم شما برادرید.

Somehow, I thought you were brothers.

یعنی می خوامی بگی برام غذا کنار نداشتی؟!

You mean to say you haven't left any food for me?!

یجورایی فکر کردم شام خوردی.

Somehow I thought you had eaten dinner.

یجورایی فکر کردم می خوامی پرواز رو عقب بندازی.

Somehow I thought you were gonna put off your flight.

یجورایی فکر کردم عاشقش

Somehow I thought you loved him.

یجورایی فکر کردم می خوامی وقت دندانپزشک بگیری.

Somehow I thought you were gonna set an appointment with your dentist.

یجورایی فکر کردم بانک ساعت 2 می بنده.

Somehow I thought the bank closed at 2.

یادت بود باک رو سر راه پر کنی؟

Did you remember to fill up the tank on the way?

یجورایی فکر کردم می خوامی سر راه باک رو پر کنی.

Somehow I thought you were gonna fill up the tank on the way.

یجورایی فکر کردم رییس جمهور آمریکا زودتر می خواد تشریف بیاره.

Somehow I thought the American president was gonna arrive earlier.

اینچنین فکر نمیکنم بهتره با برج مراقبت چکش کنی.

I don't think so; you had better check it with the control tower.

یجورایی فکر کردم اخراج شدی.

Somehow I thought you had been fired.

مطمئنی؟

Are you sure?

مطمئن باش.

Be sure.

صد در صد مطمئنم.

I am positive.

صد در صد می دونم.

I know for sure.

صد در صد مطمئنی؟

Are you positive?

I am sure  
I know for sure  
I am positive

او ساعت 2 و نیم میرسه

He arrives at 2:30.

این کار رو می کنم.

I am doing it

این کار رو می خوام بکنم/ اینکار رو قراره بکنم.

I am gonna do it/I am supposed to do it.

بهت زنگ می زنم.

I am calling you.

ده بهت زنگ می زنم.

I call you at 10/I am calling you at 10.

می آدش، نگران نباش.

He is coming, don't worry.

ساعت 4 می آد.

He comes at 4/he is coming at 4.

حال ساده میتواند برای آینده قطعی  
هم استفاده شود به یک شرط  
گزاره بر اساس تایم تیبل باشد و تایم  
دقیق رو هم بگی  
این نکته برای آینده غیرقطعی صادق  
نیست



باهات صحبت می کنم.

I am speaking with you.

می خوام باهات ده صحبت کنم.

I am gonna speak with you at 10.

ده باهات صحبت می کنم.

I am speaking with you at 10/I speak with you at 10.

### Vocabulary

عقب انداختن

Put off

برنامه زمانی

Time table

داستان/ قفسه

Story

### Proverb

بالا خونه اش رو اجاره داده.

She is wrong in the upper story.

پایان دروره پیشرفته یک